

شروع دوباره آغاز

گفتگو با فیروزه گل محمدی
درباره نمایشگاه تصویرگری کتاب کودک



فیروزه گل محمدی با بیش از ۳۰ سال سابقه فعالیت هنری از تصویرگران ممتاز کتاب کودک است. او در رشته معماری داخلی تحصیل کرده و در دانشگاهها به تدریس تصویرگری مشغول است. گل محمدی با تلویزیون، کیهان بچه‌ها و شهرداری همکاری داشته و مدتی مدیر مسئول و سردبیر نشریه زن روز بوده است. عضویت در چندین هیأت داوری جشنواره‌های تصویرگری و کتاب کودک و دریافت جوایز متعدد تصویرگری از جشنواره‌های داخلی و خارجی از افتخارات اوست.

گل محمدی به سئوالات ما درباره نمایشگاه تصویرگری کتاب کودک و «خانه تصویرگران» پاسخ داده است.

○ در مورد پیشینه نمایشگاهها و جشنواره‌های تصویرگری کتاب کودک در ایران توضیح دهید. آیا پیش از انقلاب هم چنین جشنواره‌هایی سابقه داشته است؟
● این ردیف از نمایشگاههای تصویرگران کتاب کودک از سال ۱۳۶۸ با نمایشگاه تصویرگران ایرانی و در سال ۱۳۷۰ تحت عنوان نمایشگاه آسیایی تصویرگران در موزه هنرهای معاصر و فرهنگسرای بهمن و در سال ۱۳۷۲ تحت عنوان نمایشگاه بین‌المللی تصویرگران کتاب کودک در تهران و اصفهان برپا شد و به نظر می‌رسد این تحرک برای نخستین بار به صورت جدی و گسترده پس از انقلاب اتفاق افتاد. قبل از انقلاب هیچگونه جشنواره یا مسابقه‌ای در این زمینه برپا نشده بود.

○ ارزیابی شما از این نمایشگاهها چیست؟ نقاط قوت و ضعف این سه نمایشگاه چه بود؟

● برجسته‌ترین قوتی را که می‌توان برای این دوره نمایشگاهها در نظر گرفت، شما در همین روند تکاملی آن می‌توانید مشاهده کنید. اینکه اول داخلی بود و بعد آسیایی و بعد بین‌المللی شد بنده در دور دوم آن بعنوان عضو هیئت انتخاب آثار و در دور سوم آن به عنوان عضو هیئت انتخاب و نیز عضو هیئت داوری بودم و در آن زمان برداشتم این بود که کارها از نظر کمیت و کیفیت و تعداد تصویرگران برجسته و صاحب نام بین‌المللی در آن چشمگیر بود. ولی آنچه که مهمتر از نکات بالا بود و باعث تحرک و دلگرمی تصویرگران و ناشران می‌شد، این بود که با توجه و بهائی که به این مقوله فرهنگی داده شد، هم تصویرگران و هم ناشران سعی کردند تا

کیفیت آثارشان را به درجه‌ای از مقبولیت برسانند که بتواند وارد حوزه مسابقه و نمایشگاه شوند و الحاق که در این کار واقعاً جدیت کردند و آثار خوبی ارائه کردند و می‌توان گفت که این حرکت حتی موفق شد تا به خصوص به تصویرگران معیارهایی بدهد که آنها با توجه کردن به آن معیارها صاحب رأی و اندیشه مستقل از ناشر شوند. بحث‌هایی که چه در مجلات رویش و چه در حاشیه سمینارهای ادبیات کودک و نوجوان و چه به علت نزدیکی فیزیکی تصویرگران با هم در میان جمعشان مطرح می‌گردید آشنائی با داوران بین‌المللی و مطلع شدن از مصاحبه‌ها و نظرات آنان همه با هم موجب شد تا تصویرگران، در عرض مدت کوتاهی جهش بلندی انجام دهند که قطعاً اگر این ماجرا ادامه داشت امروز ما در زمینه تصویرگری در دنیا در سکوی دیگری ایستاده بودیم. و اما نقطه ضعف. بهر حال هر حرکتی به خصوص زمانی که سابقه‌ای نداشته باشد در کنارش ضعف‌هایی هم به چشم می‌خورد که این ضعف‌ها با تداوم حرکت و بکار بردن تجربیات و کارآمد شدن افراد کم کم از بین می‌رود. نقطه ضعف آن نهادینه نبودن این تشکیلات بود که اگر تصویرگران نهادی جدی بود چهار این ۴ سال وقفه و تعطیلی نمی‌شد.

○ به نظر شما دلیل تعطیلی آن نمایشگاهها و تعطیلی ستاد تصویرگران کتاب کودک چه بود؟

● خیلی چیزها که اصلاً دلم نمی‌خواهد آن را باز کنم و امیدوارم که دیگر اتفاق نیفتد. روزی اگر لازم شد آن را با تصویرگران و ناشران در میان خواهیم گذاشت ولی فعلاً حرفش را هم نزنید و اجازه بدهید برویم جلو! تا ببینیم که قول و قرارهایی که آقایان داده‌اند این بار چگونه می‌شود.

○ به چه دلیل قرار شده این نمایشگاهها مجدداً راه‌اندازی شود؟

● به این دلیل که از آن روزی که این قصه را تعطیل کردند، چند نفر بودند که در ذهنشان و باورشان موضوع تعطیل بردار نبود، و تا توانستند تق‌زند و این در و آن در زدند و رفتند و آمدند و نشستند و برخاستند تا به همت جانانه آقای مهاجرانی و فقط با دو سطر نوشته ایشان مجدداً این برنامه راه افتاد.

○ رابطه برپایی این نمایشگاه با انجمن صنفی تصویرگران چیست؟

● هم عرض؛ با تلاش برای راه‌اندازی مسابقه و نمایشگاه ظرف مدت ۴ سال، روزهایی می‌رسید که ما از حرفهای تکراری آقایان مسئول خسته و ناامید می‌شدیم. در آن روزها به این نتیجه می‌رسیدیم که باید تصویرگران به استقلال صنفی برسند تا اینقدر محتاج این وزارتخانه یا افرادی که فکر می‌کردند نایب التولیه مصوران هستند نباشند و به همین دلیل این فکر کم کم شکل گرفت. با وکیل صحبت شد و بعد به همت آقای بهمن پور اساسنامه‌ای هم برای آن تهیه شد و الان، از آن جهت نیز جلو می‌رویم تا آن شاءالله بزودی «خانه تصویرگران» اعلام موجودیت کند.

○ چه کسانی موسسان «خانه تصویرگران» را انتخاب کرده‌اند؟ دلیل این انتخاب چیست؟ از کجا معلوم که این افراد مورد تأیید تصویرگران باشند؟

● راستش را بخواهید بنده بی تقصیرم. موسسان این نمایشگاه با مشورت و رایزنی انتخاب شدند که شامل آقای بهمن پور که رئیس ستاد تصویرگران بود و آقای حجوانی که در زمینه نگارش و نقد ادبیات کودکان و انتشار فصلنامه پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و پژوهشنامه فعالیت جدی داشته و بنده نیز بعنوان تصویرگر مجموعه می باشم.

از باب مقبولیت افراد هم باید عرض کنم. اولاً «تأیید» نسبی است شما هرگز در هیچ انتخابی قادر نخواهید بود همه افراد را راضی نگاه دارید. دوم اینکه هیئت مؤسس و یا هر هیئت مؤسس دیگری وظایف مشخصی دارد که در حد راه انداختن مقدمات یک حرکت است. بعد از آن اعلان عمومی می شود و هیئت مدیره در طی یک جلسه انتخابات برای مدتی انتخاب می شوند که آنها هم با اکثریت آراء است.

○ نمایشگاه جدید در چه تاریخی برپا خواهد شد و شامل چه بخشهایی خواهد بود؟

● از مهر و آبان ۱۳۷۶ که دیگر قضیه جدی شد، ما برنامه ریزی را انجام دادیم که طبق آن روز افتتاح نمایشگاه را روز ۱۷ مهر ۱۳۷۷ در روز تولد حضرت زهرا (س)، مادر اعظم کائنات قرار دادیم تا به برکت دم مسیحائی ایشان، حرکت موفق را آغاز کنیم.

مقررات نمایشگاه آماده است و به زودی در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ خواهد شد. برنامه از آنچه که برای زمان بندی قسمتهای مختلف آن انجام داده بودیم عقب نیست و ۸ بخش عمده دارد.

- ۱- مسابقه و نمایشگاه تصاویر متن
- ۲- مسابقه و نمایشگاه تصاویر روی جلد
- ۳- مسابقه و نمایشگاه موضوع نمایشگاه تحت عنوان «جهان مقدس»
- ۴- نمایشگاه و تجلیل از اساتید موفق ایرانی در طی بیست سال تصویرگری
- ۵- سمینار بین المللی بررسی وضعیت کتاب کودک و نوجوان
- ۶- انتخاب بهترین ناشر سال
- ۷- برگزاری نمایشگاه جانبی یکی از تصویرگران صاحب نام بین المللی
- ۸- برپائی یک هفته کارگاه تصویرسازی با شرکت تصویرگران بین المللی و ایرانی

این خلاصه فعالیتهاست که قرار است ان شاءالله انجام شود که مورد ۷ و ۸ آن در این دوره اتفاق می افتد. البته در دوره گذشته کارگاه یک روزه ای داشتیم که آقای اتین دلسر و استیفن زاورل در آن شرکت داشتند و در حد یک معرفی بوده که این بار با استفاده از تجربیات آن سال این کارگاه جدی تر و طولانی تر خواهد بود.

○ در پایان خوشحال می شویم بدانیم شما مشکل اصلی تصویرگری کتاب کودک در ایران را چه می دانید؟
● شاید بهتر باشد که سؤال شما را اینگونه در نظر بگیریم که مشکل «کتاب کودک» چیست تا بتوانیم روشن کنیم که مشکل تصویرگران آن چه می باشد.

مشکل اصلی در فرهنگ جامعه است، در عدم شناخت و بی توجهی هم از سوی والدین و هم از سوی مسئولین.

ببینید در تمام این سالهایی که بنده در این مقوله قلم زدم و نمایشگاه گذاشتم و اینطرف و آنطرف دنیا سرکشیدم و دریاب این مقوله حساسیت داشتم، آنچه دستگیرم شد این بود که حتی بعضی از کشورهای ضعیف تر از مادر جهان سوم هم توانستند به حداقل فهمی در این مورد برسند که «کودکان» مهم هستند حالا تا چه رسد به کشورهای مرفعی که سالها و شاید قرنی باشد که از این مرز عبور کرده اند و به همین دلیل است که می بینید توانا و ثروتمند هستند؛ برای اینکه از حدود یک قرن پیش به نسل آینده اشان توجه کردند و فهمیدند که این نسل آینده جدای از نیازش به شکلات و آب نبات و پفک و اسباب بازی به سواد و فرهنگ بالا نیاز دارد و نسبت قابل توجهی از این نیاز را آنها با کتاب پاسخ دادند و خوب امروز که وسایل ارتباط جمعی به گونه ای دیگر است، مثل فیلم و رایانه و ... به آن هم با شتاب و سرعت چشمگیری که در ماهیت اینگونه وسایل است، می پردازند و دائم فاصله اشان را با کشورهای عقب افتاده و یا در حال رشد بیشتر و بیشتر می کنند و روز بروز آنها ثروتمندتر و قوی تر می شوند و ما برعکس. این یک بحث ریشه ای است و بسیار مهم که باید پیگیری شود و شما هم می توانید در آن نقش داشته باشید. پدر و مادرهای ما یک ساندویچ مقوی و یا یک شکلات و آمبویه را قطعاً ترجیح می دهند به یک کتاب سرنوشت ساز. (البته صحبت استثناءها را نمی کنیم) این از یک طرف، از طرف دیگر مسئولین فرهنگی یک کشور هم داعیه رشد و ارتقاء فرهنگی یک ملت را دارند. اصولاً دلیل بودن و فعالیتشان این است که آنها چون مقولات فرهنگی و نیاز یک جامعه در حال رشد را می دانستند آمدند و این مسئولیتها را به دوش گرفتند.

پس باید نقششان یک نقش سازنده مشوق و در جهت حل گره های فرهنگی باشد. یعنی به زبان ساده تر باید ابتدا موضوع برای خودشان روشن شده باشد تا بتوانند از آن حمایت کرده و گسترش دهند. هنوز مسئولین فرهنگی ما فعالیت های فرهنگی شان عمق و پایه ندارد. آنها کارهایی انجام می دهند که زیاد معطلشان نکند و در زمان وزارت و صدرات! و خلاصه مدت زمان اشتغال به کارشان محصول بدهد و در بوق و کرنا برود و دقیقاً به همین دلیل است که کارها متخارج زیاد دارد اما بی ریشه و موضعی است و مشکلی را حل نمی کند. ما این مشکل را در موضوع کتاب و کتابخوانی (برخلاف تبلیغاتی که درباره آن می شود) داریم و بسیار هم جدی است. برای اثبات این حرف کافی است که هفته ای یا ده روزی یکبار به کتابفروشی ها سری بزنید. تعداد کتابهایی که چاپ جدید است و کتابهایی که تجدید چاپ است، قیمت های پشتش را بررسی کنید تا متوجه شوید روند موضوع «کتاب و کتابخوانی» چقدر کند و تأسف بار است. با این اوصافی که رفت دیگر کتاب کودک در این مقوله جای خودش را دارد و مشکل تصویرگران کتاب کودک هم که دیگر معلوم است! سالهاست که (به غیر از چند ناشر که کمتر از تعداد انگشتان دست هستند!) ناشر کتاب کودک باقی نمانده

که تمام همتش صرف این گروه شود. اگر ما مشکل نویسنده، تصویرگر، ناشر، کاغذ، چاپ توزیع و ... داریم، به نظر بنده اینها معلولها هستند نه علتها. اینها قابل حل اند البته وقتی که مشکل فکری ما که اهمیت ندادن به «نسل آینده» است رفع شود و هنگامی که ما آنقدر به این نتیجه رسیده باشیم که دست از کارهای موضعی و تبلیغی برداریم و برنامه های درازمدت فرهنگی را پایه ریزی کنیم. مثالی می زنم تا موضوع روشن شود. ببینید زمانی که جنگ شد و ما مجروح داشتیم و معلول داشتیم و این افراد نیاز جدی به ملزومات پزشکی و بیمارستان و وسایل و دکتر پیدا کردند و همه این را فهمیدند، اقدامات جدی انجام گرفت و آنقدر جلو رفت که ما اکنون بهترین بیمارستانها و وسایل و پزشکان و تولیدکنندگان ابزار کمک به معلولین را داریم، هرچند که در بعضی از قسمتها برنامه دراز مدت لازم داشت مثل تربیت متخصص و ساختن بیمارستانهای مجهز و وارد کردن لوازم و حتی برنامه ریزهائی که برای معلولین امتیازاتی را در برداشت، مثل ورزش معلولین که ما در آن الان در دنیا اول هستیم، ولی ما چون اهمیت قضیه را درک کرده بودیم به درازمدت و کوتاه مدت آن فکر نکردیم و واقعاً کار کردیم. سؤال من این است که آیا ما برای معلولیت های فکری هم کاری کرده ایم؟ معلولیت هایی که شروع آن از کودکی است و آثارش بسیار درازمدت تر از معلولیت های جسمی است. پس می بینید که ریشه قضیه کجاست. خیلی بی رو در بایستی ریشه آن اهمیت ندادن به نسل آینده در عمل است و گرنه در شعار که الی ماشاءالله حرف می زنیم.

○ برای حل این مشکلات پیشنهادی هم به نظر تان می رسد؟

● چشم انداز آینده برای بنده و بسیاری از همکاران و هنرمندان و در کل اهل فرهنگ چشم انداز امیدوار کننده ای است و امیدمان این است که آقای خاتمی و همکارانشان که اهلیت فرهنگی دارند و به موضوع «نسل جوان» حساسیت نشان داده اند با تحرکی کارشناسانه برنامه ریزی های درازمدتی را پایه ریزی کنند، چون امکان ندارد که مشکلات فرهنگی یک مملکت با برنامه های مقطعی حل شود. هرکس بگوید می شود و یا عملاً این حرکات را انجام دهد اشتباه بزرگی کرده است. کار فرهنگی کاری ریشه ای و درازمدت است که اتفاقاً حرکتش هم کند است تا محصول دهد.

پیشنهادی که می توان داد برگزاری همین گونه جشنواره ها و مسابقات و نمایشگاهها بطور کلی در زمینه کتاب کودکان است. وقتی موضوعات را دسته بندی کنیم شامل، ادبیات، تحقیقات، تصویرسازی، نشر، چاپ و ... می شود. دیگر اینکه دوستانی که در این زمینه ها فعالیت می کنند و به موضوع علاقه مندند نیز با تأسیس انجمن های فرهنگی اعلام موجودیت کنند که این اعلام موجودیت می تواند بسیار تعیین کننده باشد. حرف آخرم این است که در مقولات فرهنگی نمی توان به دولتها تکیه کرد بلکه اندیشمندان و روشنفکران جامعه اند که می توانند حرکت ایجاد کنند.